

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران

دوره ۹، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۱۵-۱۰۱

تبیین شاخص‌های کیفی توسعه فرهنگی در کلان‌شهر تهران از منظر نخبگان

مهدی یسری^۱

سیدرضا صالحی امیری^۲

مهرداد نوابخش^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۰

چکیده

توسعه به عنوان فرایند بهبود شرایط و کیفیت زندگی برای مردم جامعه، دارای ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. در این میان نقش فرهنگ شاید برجسته‌تر از سایر حوزه‌ها باشد، به گونه‌ای که می‌توان گفت توسعه فرهنگی یک جامعه می‌تواند توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن را تضمین کند. از مسائل اساسی در توسعه شهر تهران از یک سو فقدان شاخص‌های مشخص و از سوی دیگر نگرش کمی به مقوله توسعه فرهنگی است. هدف پژوهش حاضر احصاء شاخص‌های کیفی توسعه فرهنگی در شهر تهران است و داده‌های آن با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری شده است. جمعیت آماری این پژوهش متخصصان و اساتید علوم اجتماعی، برنامه‌ریزی شهری و مدیریت فرهنگی هستند. در این تحقیق با ده نفر از نخبگان و صاحب‌نظران حوزه فرهنگ درباره شاخص‌های کیفی توسعه شهر تهران و همچنین موانع، راهکارها و کاربست‌پذیری آن‌ها مصاحبه‌های عمیق صورت گرفت و داده‌های به دست آمده تحلیل محتوا شد. یافته‌های حاصل از این پژوهش بطور خلاصه نشان داد مدیریت توسعه فرهنگی کلان‌شهر تهران مستلزم مؤلفه‌هایی چون تبادلات فرهنگی، همسوسازی فعالیت‌های سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی، آموزش‌های فرهنگی، افزایش مشارکت و اعتماد اجتماعی میان شهروندان، رفع موانع مدیریتی و ... است.

کلید واژگان: مدیریت و توسعه شهری، توسعه فرهنگی، شاخص‌های کیفی، نخبگان توسعه شهری، کلان‌شهر تهران

^۱ دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. نویسنده مسئول
mehdi.yosri@gmail.com

^۲ دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.
r-salehi@srbiau.ac.ir

^۳ استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
mehrddad_navabakhsh@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

یونسکو قرار دادن مؤلفه فرهنگ در سیاست‌های توسعه‌ای را به مثابه نوعی سرمایه‌گذاری ضروری برای آینده جهان و پیش‌شرطی برای توفیق فرایندهای جهانی‌سازی می‌داند؛ این سازمان بین‌المللی توسعه را مفهومی متفاوت از رشد صرفاً اقتصادی می‌داند و آن را همچون دستیابی به یک وضعیت فکری، احساسی، اخلاقی و روحی رضایت‌بخش‌تر تعریف می‌کند. توسعه فرهنگی فرایندی است که در طی آن، با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی و شناختی و ارزشی و گرایش انسان‌ها، قابلیت‌ها و رفتارها و کنش‌های خاصی ایجاد شود که مناسب توسعه است. به عبارتی حاصل فرآیند توسعه فرهنگی کنارگذاشتن خرده‌فرهنگ‌های نامناسب توسعه‌ای است (ازکیا، ۱۳۷۹: ۲۳). توسعه فرهنگی فرایندی است که نمی‌تواند از خارج کسب شود، بلکه باید از درون هر جامعه تولید شود. در واقع فرآیند توسعه فرهنگی محصول سازوکارهای تاریخی، سیاسی، اجتماعی، خانوادگی و غیره است که به تدریج شکل می‌گیرد، تغییر می‌یابد یا از بین می‌رود. شاید پدیده‌هایی که مفهوم دگرگونی یک‌باره (انقلابی) درباره آن صادق نباشد، فرهنگ و توسعه فرهنگی است. به عبارت دیگر پدیده فرهنگ و هویت فرهنگی در طول زمان در جوامع تثبیت می‌شود و در کوتاه مدت نمی‌توان آن را تغییر داد. دولت‌ها همواره از کار زودبازده سخن می‌گویند. اما در فرهنگ چنین نیست. در فرهنگ کار زود بازده بی‌معنی است و باید کار پایه‌ای و بلند مدت انجام داد (افروغ، ۱۳۸۵: ۹۰).

توسعه شهرنشینی بخصوص در کلان‌شهرها از یک طرف، امکان تجمع افراد، کالاها، خدمات و فرصت‌ها را فراهم می‌سازد و در عین حال موجب گسستگی و تضعیف مکان‌ها، سنت‌ها و شبکه‌های موجود شده و تأثیر شایانی بر عادات، شیوه‌های رفتاری، الگوهای اندیشه و احساس بر جای گذاشته است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۹۶). بسیاری از شهرها به دلیل افزایش سریع جمعیت، توان و ظرفیت لازم برای تأمین اشتغال، مسکن، زیرساخت‌ها و خدمات را ندارند. از این رو ظهور و گسترش بخش غیررسمی، شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی و شهرک‌های حاشیه‌ای، کمبود خدمات و کیفیت پایین سطح بهداشت، و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، از مهم‌ترین پیامدهای منفی و زیان‌بار گسترش بخش غیررسمی در شهرها محسوب می‌شوند. در مقابل این نوع نگرش که بر ضعف‌ها و زیان‌های گسترش شهرنشینی تأکید دارد، نگرش دیگری وجود دارد که تحولات موجود در کلان‌شهرها، من‌جمله کلان‌شهر تهران، را امری طبیعی و الزامی فرض می‌نماید. این نگرش، رشد کلان‌شهر تهران را، در مقایسه با کلان‌شهرهای بیشتر کشورهای در حال توسعه، رشد متعادلی می‌داند و بر این نکته تأکید دارد که ریشه مسائل و مشکلات موجود تهران را باید عمدتاً در «ضعف فرهنگ شهری» جستجو نمود، نه صرفاً عوامل ساختاری کلان (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۹۶).

کلان‌شهر تهران، پایتخت ایران و بزرگترین و پرجمعیت‌ترین شهر آن به شمار می‌رود. تهران در چند دهه اخیر از لحاظ جمعیت و مساحت رشد چشمگیری داشته است، اما زیرساخت‌های آن متناسب با رشد جمعیت رشد نکرده‌اند. تهران همانند اغلب کلان‌شهرها در کشورهای درحال توسعه از معضلات زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فراوانی رنج می‌برد، که نشان‌دهنده توسعه ناپایدار در این شهر است. علاوه بر آن تهران از مشکل نبود مدیریت واحد شهری نیز رنج می‌برد. به غیر از شهرداری تهران، بیش از ۲۸ نهاد و سازمان مختلف متولی امور فرهنگی در شهر تهران هستند (برنامه راهبردی فرهنگی شهر تهران، ۱۳۸۷: ۶۶).

بسیاری از صاحب‌نظران توسعه فرهنگی بر این باور هستند که شهر تهران برای تبدیل شدن به مرکزی جذاب و تأثیرگذار برای فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیاز به تحولی ساختاری دارد. بر این منظور باید دید که تا چه حد فرهنگ و فضای اجتماعی این شهر، متناسب با رشد و توسعه پرشتاب ساختار کالبدی‌اش، دچار تحول شده است؛ زیرا تا زمانی که این شرط - یعنی تناسب میان رشد فرهنگی و کالبدی - محقق نشود جذابیت‌های گردشگری و فرهنگی کلان‌شهر تهران نمایان نخواهد شد (معیدفر، ۱۳۹۱: ۳۲). در حقیقت، هرچند شهرنشینی در ایران در طول دهه‌های گذشته با رشد قابل توجهی همراه بوده، اما از مشکلات و پیامدهای منفی نیز به دور نبوده است. بخشی از این مشکلات حاصل عدم توجه کافی به بُعد فرهنگی زندگی شهری است. همراه نمودن توسعه، فرهنگ و شهر از موضوعات پیچیده و در عین حال قابل تأمل است (راد، ۵۱، ۱۳۹۰). بنابراین رشد کلان‌شهر تهران دارای مسائل و مشکلاتی است که عمده‌تاً ریشه در ضعف توسعه فرهنگی دارد. بر این اساس هدف پژوهش حاضر دستیابی به شاخص‌های کیفی در توسعه فرهنگی برای کلان‌شهر تهران، و همچنین بازشناسی موانع و راهکارهای مرتبط با این شاخص‌هاست.

اهمیت و ضرورت پژوهش

تا دهه ۱۹۷۰ توسعه مقوله‌ای عمدتاً اقتصادی تلقی می‌شد. به عبارتی، پیشرفت اقتصادی یگانه ملاک توسعه هر جامعه قلمداد می‌شد و تصور غالب این بود که می‌توان به مدد الگوهای مختلف توسعه اقتصادی، رشد تکنولوژی، انباشت ثروت و ... به توسعه دست یافت. اما به تدریج با گذشت زمان، مشکلات و ابعاد مخرب این نوع نگرش، هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهای درحال توسعه و جهان سوم آشکارتر شد. ویرانی طبیعت، افزایش آلودگی‌های زیست محیطی، تداوم فقر و نابرابری‌های اجتماعی، شیوع فساد و ... به عنوان کارکردهای پنهان توسعه صرفاً اقتصادی بازشناسی. در کشورهای درحال توسعه نیز، بعد از تلاش‌ها و صرف بودجه‌های هنگفت، جز نابسامانی و پریشانی فرهنگی و سردرگمی سیاسی نتیجه‌ای حاصل نشد. البته علل شکست توسعه در کشورهای مختلف متفاوت است، مانند فقدان دولت کارآمد، عدم انباشت سرمایه، عدم وجود نیروی انسانی و...؛ اما وجه

مشترک شکست اکثر جوامع در حال توسعه یا توسعه‌نیافته روی آوردن به توسعه برون‌زا، به جای توسعه درون‌زاست (زاهدی، ۱۳۸۱: ۱۷۵). به عبارت دیگر، این جوامع توسعه را مطابق فرهنگ، تاریخ و سنت‌های خود تعریف نکردند، بلکه هر آنچه را که در غرب اتفاق افتاده بود، الگو قرار دادند. تقلید از الگو و شاخص‌های توسعه‌ای در کشورهای توسعه‌یافته، به دلیل خاستگاه بیرونی، ماهیت عمدتاً طبقاتی نظام سرمایه‌داری، و ناهماهنگی با ارزش‌های فرهنگ خودی، موجب بحران هویت فرهنگی شد. جامعه ایران و کلان‌شهر تهران نیز از این روند معیوب برکنار نبوده است؛ بر این اساس، و با توجه به اینکه در برنامه‌های اخیر ملی توجه به فرهنگ بومی مورد تأکید قرار گرفته است، به نظر می‌رسد که انجام پژوهشی برای تبیین مؤلفه‌های توسعه فرهنگی و درون‌زا ضرورت دارد.

اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش شناسایی عوامل کیفی مؤثر بر توسعه فرهنگی کلان‌شهر تهران از منظر صاحب‌نظران است، ذیل این هدف، اهداف جزئی‌تر به ترتیب زیر قابل تشریح هستند:

- بررسی و شناسایی وضعیت موجود مدیریت توسعه فرهنگی کلان‌شهر تهران.
- شناسایی موانع و چالش‌ها و تأثیر آن در تحقق توسعه فرهنگی در کلان‌شهر تهران.
- ارائه الگوی مدیریت توسعه فرهنگی بر اساس ابعاد و مؤلفه‌های احصاء شده.

پرسش‌های پژوهش

- شاخص‌های مدیریت توسعه فرهنگی در کلان‌شهر تهران از منظر صاحب‌نظران چیست؟
- کدام مؤلفه‌ها در توسعه فرهنگی کلان‌شهر تهران تأثیرگذار هستند؟
- راهکار کاربست‌پذیری و عملیاتی شدن شاخص‌های توسعه فرهنگی در شهر تهران چه می‌باشد؟

روش پژوهش

در این پژوهش به اقتضای موضوع و با توجه به امکانات پژوهش، از تکنیک دلفی برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. روش پژوهش از نوع کیفی و توصیفی است و از نظر هدف کاربردی است. برای گردآوری داده‌های پژوهش با ده نفر متخصصان در زمینه مدیریت شهری و اساتید دانشگاهی، که دارای سابقه همکاری در حوزه مدیریت فرهنگی کلان‌شهر تهران هستند، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و عمیق انجام شد و اطلاعات جمع‌آوری شده به روش تحلیل مضمون و محتوا تحلیل شد.

مبانی نظری پژوهش

بعد از جنگ جهانی دوم، تغییرات و تحولات وسیع و گسترده‌ای به‌ویژه در روابط میان کشورهای استعمارگر و استعمار شده به وجود آمد، و پس از آن متفکران و روشنفکران کشورهای درحال توسعه و جهان سوم، طی یک فرایند طولانی سعی و خطا، متوجه شدند که الگوی توسعه غربی نمی‌تواند پاسخگوی دردها و نیازهای آنها باشد و به توسعه‌یافتگی بینجامد؛ بنابراین مفهوم توسعه درون‌زا را مورد توجه قرار دادند. در این خط مشی، به جای الگو گرفتن از کشورهای توسعه‌یافته، بر فرهنگ و ارزش‌های خودی، بومی و ملی به عنوان نقطه آغازین هرگونه حرکت روبه جلو تأکید می‌شود. از آن زمان به بعد، فرهنگ به تدریج در کانون توجه قرار متفکران و برنامه‌ریزان جهان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه قرار گرفت. در ادامه این فرایند، یونسکو به صورت جدی‌تر وارد میدان شد و، به عنوان مرکز اصلی طراحی و کارشناسی فرهنگ، اقدامات خود را آغاز کرد. در اثر همین کوشش‌ها و اقداماتی که یونسکو در دهه ۱۹۷۰ انجام داد، برای اولین بار مفهوم توسعه فرهنگی پدید آمد و از اوایل دهه ۱۹۸۰ به صورت رسمی وارد ادبیات توسعه شد (چنگیز، ۱۳۸۷: ۲۵).

در کل می‌توان دو دوره و دو رویکرد را درباره توسعه شهری بازشناخت: ۱- رویکرد سخت‌افزاری: این رویکرد عمدتاً به معنای کنترل از بالاست، و توسعه اقتصادی و تجهیز زیرساخت‌های اجتماعی-شهری را مورد توجه قرار می‌دهد؛ ۲- رویکرد نرم‌افزاری: این رویکرد متعلق به دوره متأخرتر است و عمدتاً معطوف به به روابط و کنش متقابل انسانی و رویکردی مشارکتی است و به بسط و تقویت سرمایه اجتماعی، به عنوان اصلی‌ترین راه در مدیریت شهری و توسعه درون‌زا و توسعه پایدار نظر دارد. در مجموع، تلفیق این دو رویکرد می‌تواند راهگشای مسائل و مشکلات شهری و مدیریت بهینه شهری باشد؛ یعنی لازم است که از سویی به توسعه زیرساخت‌های اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی شهر و مدیریت از بالا توجه کرد و از سویی دیگر به توسعه سرمایه فرهنگی شهری (اعتمادسازی، ترویج حس تعلق محلی، مشارکت مردمی و...) پرداخت.

فرهنگ و توسعه

تعریف مردم‌شناسان از فرهنگ به عنوان مجموعه پیچیده‌ای شامل شناخت، باورها، هنرها، اخلاق، حقوق، آداب و رسوم و دیگر قابلیت‌ها یا عاداتی که انسان به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند (پهلوان، ۱۳۷۸). در تعریفی دیگر، نظامی نسبتاً منسجم متشکل از اجزایی غیرمادی شامل ارزشها، هنجارها، نمادها، باورها و اعتقادات، آداب و رسوم، دانش و اطلاعات رایج و هنرها، و اجزایی مادی شامل کالاهای مصرفی، ابزارها و میراث‌های فرهنگی مشترک بین اعضای یک گروه، اجتماع یا جامعه که از طریق یادگیری از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (پناهی، ۱۳۷۵: ۳۳). توسعه، فرایند ارتقا و اعتلای مادی و معنوی جامعه در راستای

اهداف و مقاصد مطلوب است که زمینه‌های مناسب را برای تعالی همه‌جانبه انسان‌ها فراهم می‌سازد (راد، ۱۳۸۹، ۷۲).

توسعه فرهنگی

توسعه فرهنگی فرایندی است که طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی انسان‌ها، شخصیت ویژه‌ای را در آنها بوجود می‌آورد که حاصل باورها و قابلیت‌ها، رفتارها و کنش‌های خاص مناسب توسعه است. ویژگی‌های توسعه فرهنگی به شرح زیر است:

۱. توسعه فرهنگی ویژگی بومی دارد. یعنی توسعه فرهنگی از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است و هر جامعه می‌تواند مبتنی بر سنت‌های تاریخی خود، توسعه فرهنگی خاص خود را داشته باشد.
۲. توسعه فرهنگی نیازمند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی، پژوهش‌های ژرف و تطبیقی است. بدون این پژوهش‌ها اقدام فرهنگی، فاقد درون‌گری و بی‌بهره از غنای لازم خواهد بود.
۳. توسعه فرهنگی مبتنی بر ارزش‌های خاصی است و نوعی داوری ارزشی، مبتنی بر فرهنگ، به رسمیت شناخته شده است (صالحی امیری، ۱۳۹۵: ۳۷).

در مجموع می‌توان گفت که رویکرد توسعه فرهنگی بر رشد و توسعه موزون کیفی عناصر شهری، اجتماعی و فرهنگی و بکارگیری این نیروها در جهت رفع نیازهای نسل امروز و آینده تأکید می‌کند و، در کنار توجه به توسعه اقتصادی و شهری جوامع، توجه خاصی به بهره‌گیری از قابلیت‌های فرهنگی در افزایش درآمد، اوقات فراغت، فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد. از دیدگاهی کارکردگرایانه، توسعه فرهنگی پدیده‌ای اجتماعی است که در ساخت شهری کارکردی انسجامی، آموزشی و تربیتی، وحدت‌بخش، حمایتی، نظارتی و... دارد و می‌تواند جامعه را به سمت توسعه‌یافتگی سوق دهد. وقتی ساخت شهری کلان‌شهر تهران را، که به سبب رشد نامتوازن و بی‌الگوی جمعیتی دچار مسائل و مشکلات فراوانی است، مورد توجه خویش قرار دهیم، درمی‌یابیم که این شهر به مدیریت توسعه از جوانب گوناگون، به‌ویژه در حوزه فرهنگ، احتیاج دارد.

در پژوهش حاضر برای گردآوری داده‌ها در مرحله مصاحبه عمیق، بر اساس تعاریف و ویژگی‌های ارائه‌شده درباره مفهوم توسعه فرهنگی و ضرورت و ویژگی‌هایش، چهار محور کلی به عنوان چارچوب نظری مقاله تعیین شده است، و مفاهیمی که انتظار می‌رود از تحلیل داده‌های به دست آمده در هر محور استخراج شود، تبیین شده است. این محورها و مفاهیم در قالب جدول ۱ در ذیل آورده شده است.

جدول ۱: محورهای مصاحبه و مفاهیم مستخرج از آن‌ها

مفاهیم مستخرج	محورهای مصاحبه
تعریف توسعه فرهنگی و لایه‌های آن شاخص‌های توسعه فرهنگی موجود در شهر تهران	مفهوم و شاخص‌های توسعه فرهنگی با توجه به زمینه‌ها و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی و حوزه عملکرد سازمانی
شکاف توسعه فرهنگی، ارزش‌ها و هنجارها	موانع و چالش‌های توسعه فرهنگی در تهران
مدل‌های کاربردی توسعه فرهنگی در دنیای واقعی	میزان کاربردی‌پذیری و عملیاتی شدن شاخص‌های توسعه فرهنگی در شهر تهران و راهکارها
اسناد بالادستی و نهادهای سیاست‌گذار	ارتباط میان شاخص‌های فرهنگی با اسناد بالادستی در این حوزه

یافته‌های پژوهش

محور اول: مفهوم و شاخص‌های توسعه فرهنگی و تعریف لایه‌های آن

توسعه فرهنگی به معنای توسعه و پیشرفت زندگی یک جامعه است با هدف تحقق ارزش‌های فرهنگی، به صورتی که با واقعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شده باشد. توسعه فرهنگی عبارت است از: ۱- ایجاد تحول و خلق ارزش‌ها، روابط اخلاقی و هنجارهای مناسب که برای ارضای نیازهای آدمی، زمینه‌های لازم را در قالب اجتماع فراهم می‌کند. ۲- تغییر و تحولات فرهنگی در داخل یک مرزبندی سیاسی- منطقه‌ای یا شهری است، و نه در سطح بین‌المللی. در مجموع، بر اساس تعاریف و نظریه‌های توسعه فرهنگی، شاخص‌های توسعه فرهنگی یونسکو و همچنین دیدگاه‌های صاحب‌نظران و نخبگان حوزه فرهنگ، مؤلفه‌های توسعه فرهنگی به این شرح هستند: ۱. کتاب و کتابخانه ۲. رادیو و تلوزیون ۳. فیلم و سریال ۴. زبان و گویش ۵. مذهب ۶. میراث فرهنگی و گردشگری ۷. ورزش ۸. اینترنت و شبکه‌های مجازی ۹. روزنامه و مجلات ۱۰. خانواده ۱۱. مبادلات فرهنگی ۱۲. بازی محلی ۱۳. اقتصاد فرهنگ ۱۴. سرمایه فرهنگی ۱۵. سازمان‌های رسمی و مردم نهاد ۱۶. محیط زیست ۱۷. آموزش ۱۸. پژوهش. اما به صورت کلی‌تر از نظر مصاحبه شونده‌گان توسعه فرهنگی دارای دو معناست و هریک از معانی مؤلفه‌های خاص خود را دارد:

الف: معنای محدود: طبق این معنا، شاخص‌های رسمی توسعه، که ماهیت کمی دارند و مقیاس‌شان کوچک است، بر مبنای نحوه توزیع امکانات و فرصت‌های فرهنگی برای تمام شهروندان ارزیابی می‌شوند. این شاخص‌ها دقیقاً فرهنگی هستند، همچون: میزان تحصیلات شهروندان یک شهر، میزان مطالعه مردم یک جامعه به دقیقه، تعداد سالن‌های سینما در یک شهر، تعداد کنسرت‌های برگزار شده در یک ماه، تعداد کتب منتشر شده در موضوعات مختلف در یک سال، تعداد سالن‌ها و مجتمع‌های ورزشی یک شهر، نسبت جمعیت به تعداد

سالن‌های شهر، میزان مصرف کالاهای فرهنگی و دیگر شاخص‌های مصرفی در سطح زندگی روزمره مردم. این مؤلفه‌ها، که در سازمان امور فرهنگی سازمان ملل نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند، به صورت کمی و با استفاده از آمارهای کشور مورد بررسی قرار می‌گیرند.^۱

ب: معنای گسترده: طبق این تعریف، توسعه فرهنگی یک برنامه‌ریزی بزرگ، کیفی، محتوایی و بلند مدت است که مطابق آن معنای کنش‌های فرهنگی، نوع بهره‌برداری از آنها و کیفیت برنامه‌های فرهنگی جامعه مورد بازبینی و بررسی قرار می‌گیرد. به این معنا، ضرورت ایجاد تغییر و تحول در عناصر فرهنگ به منظور انطباق آن با شرایط زمانی و مکانی و در نتیجه پاسخگویی به نیازهای زمانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این ترتیب، به جای محاسبه کمی میزان مطالعه در جامعه به دقیقه، می‌توان صحبت از کیفیت و محتوای کتب ارائه‌شده در کتابخانه‌ها کرد؛ بجای تعداد صندلی‌های اضافه شده به کتابخانه، می‌توان از مراجعین و امانت‌گیرندگان کتابخانه گفت؛ و به جای تعداد سالن‌های سینما و موسیقی، می‌توان نوع موسیقی و فیلم‌های تولید شده، تغییرات محتوایی آنها در طول زمان، و نقش‌شان در تغییر ذائقه هنری مردم یک جامعه را مورد توجه قرار داد. به این ترتیب، معنای گسترده فرهنگ شامل سبک زندگی شهروندان، برنامه‌ریزی برای تغییر و به‌روزرسانی ذائقه فرهنگی مردم، مانند نوع و میزان استفاده از فضای مجازی، نوع ورزش، فرهنگ رفتاری در حوزه عمومی و خصوصی و برنامه‌ریزی برای ساختن و کنترل ساختار احساسی مردم و تغییر ذائقه فرهنگی افراد است. با این تعریف به مفهوم چرخش فرهنگی نزدیک می‌شویم؛ به این معنا که چقدر در برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی، موفق بوده و توانسته‌ایم در زندگی روزمره و محتوای آن تغییر ایجاد کنیم.

لازم به ذکر است که در این باره شاخص‌های یونسکو در زمینه توسعه فرهنگی برای ارزیابی وضعیت موجود جامعه مفید است، اما داده‌ها و دانش خاصی را به برنامه‌ریزان فرهنگی و سیاست‌گذاران عرضه نمی‌کنند. چرا که فرهنگ یک جریان آزاد، و یک فرایند سیال و فعال است و توضیح روند پیشرفت آن از منظر صرفاً آماری، قرباتی با واقعیت موجود ندارد.^۲

محور دوم: موانع و چالش‌های توسعه فرهنگی در تهران

موانع و چالش‌های توسعه فرهنگی، از نگاه متخصصان، در جدول ۲ گردآوری شده است.

^۱ مصاحبه با حسین شیخ‌زاده، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی.

^۲ مصاحبه با مرتضی قلیچ، دکتری جامعه‌شناسی و محقق و نویسنده در زمینه مطالعات و توسعه شهری.

جدول ۲: موانع

ردیف	موانع مدیریتی	موانع شهری
۱	نبود سیستم مدیریتی یکسان در مدیریت شاخص‌های توسعه فرهنگی در شهر تهران ^۱	نبود نگاه آسیب‌شناسانه در تهیه و تنظیم برنامه‌ها.
۲	نبود توافق درخصوص انتخاب نوع شاخص‌های توسعه فرهنگی.	شهر تهران می‌تواند ویتترین و نمودی از فرهنگ ملت ایران باشد، در حالی که هویت فرهنگی شهر تهران در ساختمان‌های بلند اداری نمود یافته است.
۳	مدیریت‌های کوتاه مدت و کم‌دوام.	ناشناخته بودن نموها و امکانات فرهنگی تهران، برای مثال علت عمده عدم مراجعه خانواده‌های تهرانی در روزهای تعطیل به اماکن فرهنگی و تاریخی بی‌اطلاعی از مکان و زمان ارائه خدمات فرهنگی است.
۴	نبود رویکرد یکپارچه به موضوع فرهنگ در مدیریت فرهنگی شهر تهران؛ رویکردهای متفاوت نبود یک خط سیر مشخص فرهنگی را موجب شده است.	کمبود فعالیت بخش خصوصی در شهر تهران، برای مثال پردیس‌های سینمایی ساخته شده در تهران یکی از موفق‌ترین نمونه‌های حضور بخش خصوصی برای ترویج مصرف فرهنگی است.
۵	تعدد متصدیان و قانون‌گذاران فرهنگ که موجب فقدان کارایی قوانین شده است. نهادهای متعددی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و... امکان قانون‌گذاری در حوزه فرهنگ را دارند.	نادیده انگاشتن انباشت فرهنگ. انباشت فرهنگ ملی قابل ارجاع و استناد نیستند. چرا که در کالبد شهر نمود نیافته است.
۶	افزایش موازی‌کاری مدیریتی و اجرایی بین نهادهای اجرایی و سیاست‌گذار. مثلاً شهرداری، نهاد کتابخانه‌های کشور، کتابخانه ملی و وزارت ارشاد به طور هم‌زمان در محلات کتابخانه تأسیس می‌کنند.	نبود فرهنگ مولد که در آن اشتغال زایی و درآمدزایی وجود داشته باشد.
۷	تصویب برنامه‌های نمایشی، توأم با مشارکت ویتیرینی، موجب بی‌محتوایی برنامه‌های فرهنگی شده است.	فرهنگ عمومی جامعه نیاز به پیشینه فرهنگی و تاریخی دارد تا در بستر همین جامعه رشد کند. این موضوع در تهران نادیده گرفته شده است.
۸	تداخل برنامه‌های شهری با برنامه‌های مدیریتی که موجب بی‌کارکرد شدن هر دو شده است	بی‌توجهی به نقد فرهنگ در شهر. قوانین دست و پاگیر به این بی‌توجهی دامن می‌زنند. بنابراین نقادی از درون متوقف شده و شهروندان فقط مصرف‌کننده فرهنگ تحمیلی مجریان هستند.
۹	تمرکز مدیریت شهری بر برنامه‌ریزی معیشت شهری مانند حمل و نقل، ترافیک، خرید و... در حالی که مدیریت شهری باید در حوزه فرهنگ نقش فعال‌تری داشته باشد، برای مثال ترویج فرهنگ دوچرخه‌سواری، افزایش سرانه مطالعه و ...	عدم بازنمایی فرهنگ و هنر در شهر تهران. فرهنگ در شهر نیاز به امکان حرکت آزاد و سیال دارد تا در تعامل با مخاطبان رشد کند.

^۱ مصاحبه با سیدمحمدرضا بهلول، اداره مطالعات اجتماعی و فرهنگی، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی

<p>تعریف کوتاه مدت و نمایشی و گذرایی از محتوای فرهنگی وجود دارد. تلاش و برنامه‌ریزی مشخصی برای تغییر ذائقه و برنامه‌های روزمره مردم شهر تهران دیده نمی‌شود.</p>	<p>مداخلات بی‌رویه مدیریتی در شهر تهران موجب کژکارکردی فرهنگی در فعالیت‌های مردمی شده است. مثلاً میزان اختصاص بودجه به هیئت‌های مذهبی موجب انحلال برخی از آن‌ها شده است.</p>	<p>۱۰</p>
<p>شهر تهران، پایتخت، با شهرهای کشورهای دیگر مبادلات فرهنگی ندارد و این سبب شده هویت فرهنگی جامعه در حاله‌ای از عدم فهم عمومی کم‌رنگ شود.</p>	<p>رقابت بین سازمانی برای موفق نشان دادن سازمان متبوعه موجب کژکارکردی برنامه‌ها شده است.</p>	<p>۱۱</p>
<p>بازنمایی اقوام و گروه‌های مذهبی در شهر تهران، چه از نظر مدیریتی و چه از دید شهروندان، هنوز به رسمیت شناخته نشده و نوعی تمایز تهرانی - شهرستانی بودن، فرهنگ اقوام را در سایه قراردادها است.</p>	<p>اسناد بالادستی برای کنترل و مدیریت وضعیت موجود به روزرسانی نشده و برنامه‌های توسعه به شیوه‌ای که باید اجرا نمی‌شوند.</p>	<p>۱۲</p>
<p>فضاهای فرهنگی در دسترس همه اقشار و گروه‌های قرار ندارد و این امر موجب شکل‌گیری فرهنگ برای خواص شده است.</p>	<p>رویکرد مدیران به شهر رویکرد مهندسی فرهنگی است در حالی که شهر نیاز به مدیریت فرهنگ دارد. نه مهندسی فرهنگی</p>	<p>۱۳</p>
<p>شهر عموماً تبدیل به مرکز درآمدزایی تجاری شده است، درحالی‌که برخی ابعاد زیست شهری، نیاز به خدمات یکسان فضایی و زمانی و تسهیلاتی برای همه دارد.^۱</p>	<p>وجود جزیره‌های نهادی و رسمی در سطوح اداری، دانشگاهی و اجرایی موجب کژکارکردی برنامه‌های مدیریتی و طرح‌های تعاملی شده است.</p>	<p>۱۴</p>

ج: میزان کاربست‌پذیری و عملیاتی شدن شاخص‌های توسعه فرهنگی در شهر

تهران و راهکارها

میزان کاربست‌پذیری و عملیاتی‌شدن شاخص‌های توسعه فرهنگی در شهر تهران نیاز به رفع موانع و چالش‌های مدیریتی دارد؛ به عبارت دیگر بود و نبود برنامه‌های توسعه فرهنگی در شهر متکی به حفظ چند شاخص است. این شاخص‌ها شامل موارد ذکر شده در جدول ۳ هستند که در مصاحبه با متخصصان به آن‌ها دست یافته شده است.

^۱ مصاحبه با ابوالحسن ریاضی، مدیر کل سابق دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی معاونت امور اجتماعی و

جدول ۳: مفاهیم مشترک توسعه فرهنگی

ردیف	مفاهیم
۱	جذب مشارکت شهروندی با استفاده از روشهای فرهنگی
۲	حذف مکانیزم‌های شکلی و صوری در بازنمایی مشارکت شهروندی
۳	عمومی‌سازی فرهنگ و کالاهای فرهنگی برای استفاده عام (دموکراتیزه شدن فرهنگ) ^۱
۴	به رسمیت شناختن اقوام در شهر و پذیرش بازنمایی قومیتی در نمایش‌های فرهنگ عمومی
۵	تسهیل و در دسترس قرار دادن امکانات مصرف فضاهای فرهنگی
۶	حرکت سیاست‌گذاران به سمت سیاست‌گذاری در یک جهت مشخص و حذف فعالیت‌های موازی برای یکسان سازی مدیریت فرهنگی (هم‌راستایی سازمان‌های سیاست‌گذاری)
۷	طراحی برنامه‌های آموزش شهروندی و انتقال بایدها و نبایدهای امکان فرهنگی در زندگی شهری ^۲
۸	خروج از شاخص‌های سخت‌افزاری و ورود یافتن به شاخص‌های نرم‌افزاری و محتوایی فرهنگ
۹	طراحی برنامه‌های آموزشی برای امور فرهنگی از کودکی و خردسالی
۱۰	حضور شهرداری به عنوان ساختار تسهیل‌گر اجتماعی و نه ساختار جبری و کنترلی
۱۱	افزایش اطلاع‌رسانی برنامه‌های فرهنگی شهر به شهروندان
۱۲	بهبود اقتصاد فرهنگ و افزایش امکان حضور عرصه خصوصی در فضاهای فرهنگی

د: ارتباط میان شاخص‌های فرهنگی با اسناد بالادستی در این حوزه

اسناد فرادستی به اسنادی گفته می‌شود که به عنوان قوانین در سازمان‌ها، نهادها، قوه‌ها، ادارات و .. به عنوان اسناد اصلی مورد استناد قرار گرفته‌اند. این اسناد با قوانینی که به صورت منظم در سال تصویب می‌شوند، نباید متفاوت باشند.

الف: مطابق مصاحبه با مدیران و داوران منتخب در بخش کیفی، اسناد فرادست در ایران به خوبی مورد استناد قرار می‌گیرند؛ اما منابع و سازمان‌های متعددی که اسناد فرادست را تولید کرده و یا قوانین را تصویب می‌کنند، خود موجب تداخل قوانین و طرد دوجانبه یکدیگر می‌شود. همچنین در کشور ما چندین سازمان و نهاد قانونی و رسمی وجود دارد که از دولت بودجه فرهنگی کسب می‌کنند و هیچ‌یک با هم در ارتباط منطقی و قوی قرار ندارند و حتی در برخی موارد با یکدیگر دچار اختلافات اجرایی و قانونی هستند؛ مثل قانون‌گذاری موازی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی.

ب: برنامه‌های فرهنگی در سایه چشم‌انداز اقتصادی مغفول مانده و دچار سردرگمی هستند. به سبب همین چشم‌انداز، توسعه پایدار فرهنگی در برنامه‌های اسناد فرادستی نیز با وضعیت اجرایی حاضر هماهنگ نشده است.

ج: سه سوال مهم موجب بلاتکلیفی برخی سازمان‌ها شده است:

^۱ مصاحبه با ناصر فکوهی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

^۲ مصاحبه با مجید شمس، اداره مطالعات اجتماعی و فرهنگی، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری

- ۱) آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی باید در زمینه فرهنگ قانون‌گذاری کند یا خیر؟
- ۲) نگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی به برنامه‌های فرهنگی نگاه توسعه‌ای است یا غیر توسعه‌ای؟
- ۳) آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی که مهمترین خط‌مشی فرهنگی کشور را ترسیم می‌کند، می‌تواند از ساختار سنتی فاصله گرفته و به‌روز شود؟

د: دولتی بودن مدیریت و بهره‌برداری فرهنگی، موجب عقیم شدن اقتصاد فرهنگ شده و همین موجب فریه‌تر شدن اسناد و عدم کارایی آن در سطوح خرد (اجرایی) شده است. در نهایت وابستگی اسناد به تأیید دولتی، موجب فریه‌تر شدن و دست‌وپاگیر شدن قوانین با کارایی ضعیف و عدم اطلاع قانون‌گذاران از نیازهای به روز جامعه شده است. در نتیجه بین مجریان (شهرداری) و قانونگذاران، عدم هماهنگی اجرایی دیده می‌شود. در خصوص ارتباط این حوزه با اسناد فرادستی باید گفت؛ اسناد فرادستی که حکم قوانین را برای مجریان و سیاست‌گذاران دارد؛ دچار عدم بروزرسانی و همچنین معضل تعدد ارگان‌های ذی‌اثر هستند. اسناد فرادستی نیز کمک زیادی به سیاست‌گذاری می‌کنند. میزان کاربست‌پذیری و عملیاتی شدن شاخص‌های توسعه فرهنگی در شهر تهران نیز، بستگی به رفع انواع موانع و مشکلاتی دارد. موانع و مشکلات زیادی دامن‌گیر توسعه فرهنگی در تهران و کشور است. مدیریت‌های کم‌دوام و کوتاه‌مدت؛ عدم هماهنگی مدیریتی و قانونی، تعدد مراجع سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری؛ تداخل و موازی‌کاری؛ اجرای برنامه‌های نمایشی و سطحی، عدم توجه به سنت‌های فرهنگ ملی؛ و مواردی از این دست می‌باشد. همچنین موانع توسعه خود در تهران به دو دسته تقسیم شدند، اولی موانع مدیریتی و دیگری موانع کالبدی- شهری.

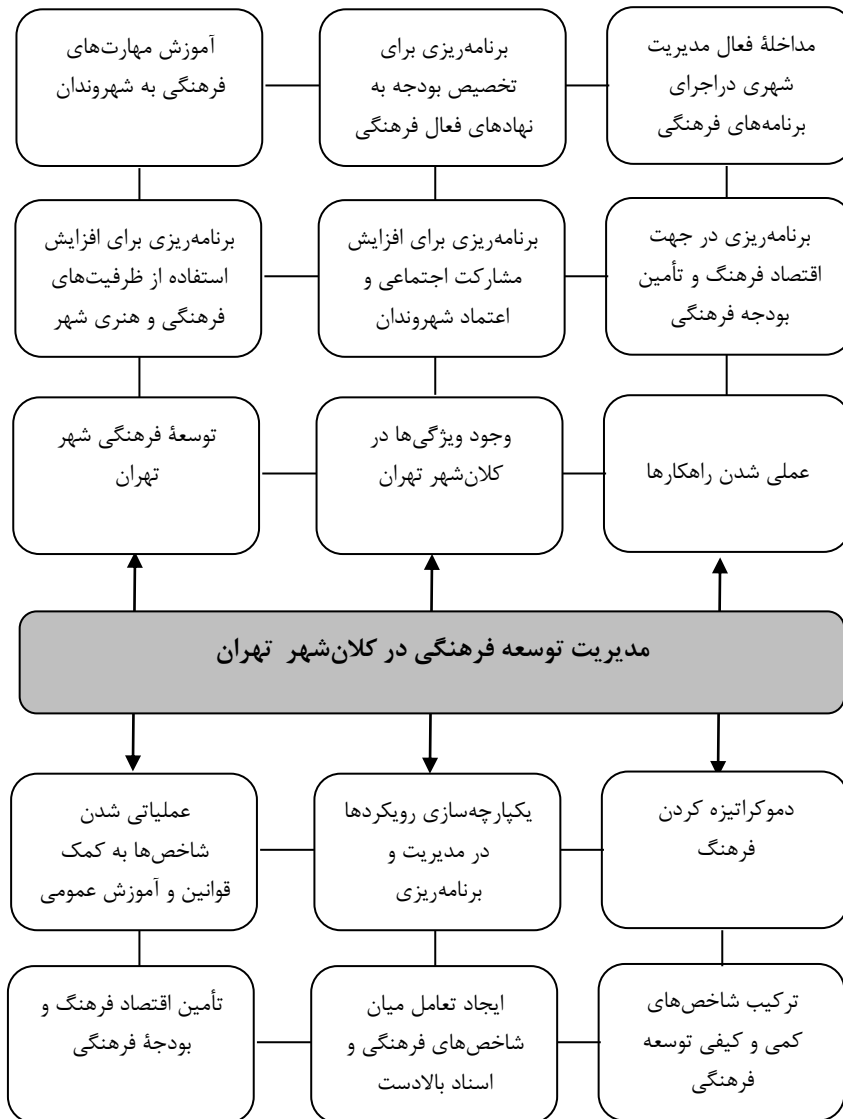
نتیجه‌گیری

مفهوم توسعه فرهنگی از نظر داوران دارای دو مفهوم بود: ۱- ابعاد کمی (محدود) شامل شاخص‌های عددی توسعه مانند تعداد کتابخانه‌های شهر؛ تعداد سالن‌های سینما و... ۲- ابعاد کیفی (گسترده) که سطح گسترده‌تری را نشان می‌دهد و روند تحولات فرهنگی را مدنظر قرار می‌دهد. این بعد شامل سبک زندگی، فرهنگ رفتار، محتوای فرهنگ مصرفی، محتوای فیلم‌های تولیدشده و... است. در حقیقت ترکیب جنبه کمی و کیفی فرهنگ مهمترین ترکیب برای درک و توسعه فرهنگی می‌باشد.

همسو کردن فعالیت‌های فرهنگی سازمان‌های متولی امر فرهنگ تأثیر بسزایی در توسعه فرهنگی دارد. چرا که نهادهای زیادی در این زمینه مشغول به فعالیت و ارائه خدمت بوده و مسائلی نظیر موازی‌کاری و انجام امور مشابه موجب هدر رفت هزینه و کاهش اثربخشی می‌شود.

جلب مشارکت مردم در امور فرهنگی از عوامل اصلی در توسعه فرهنگی است. بر این مبنای بسیاری از هزینه‌های دستگاه‌های متولی فرهنگ و حتی سایر نهادهای مدیریت شهری صرفه جویی شده و این امر خود مولد نوعی توسعه پایدار می‌باشد. لذا مقوله میزان مشارکت مردم در امور فرهنگی به عنوان یکی از عوامل اصلی در سنجش توسعه فرهنگی است. مقوله میزان بهره‌مندی از حقوق فرهنگی، در کنار مقوله هویت فرهنگی، به عنوان یکی از شرایط مؤثر بر میزان تأمین نیازها و مطالبات فرهنگی افراد محسوب می‌شود. همچنین میزان مشارکت فرهنگی در کنار مقوله اقتصاد فرهنگ، به عنوان شرایط زمینه‌ای بر راهبرد اصلی یعنی مدیریت توسعه فرهنگی در کلان‌شهر تهران اثرگذار است. مزیت اصلی این پژوهش کیفی بودن آن و ارائه مدل جامع و کاربردی است که همزمان تلاش شده است تا به اکثر مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر بر مدیریت توسعه فرهنگی توجه نماید. استفاده هم‌زمان از شاخص‌های کیفی و کمی برای سنجش میزان مشارکت فرهنگی شهروندان به عنوان یکی از پیشنهادات این پژوهش می‌باشد. همچنین حمایت از پژوهش‌های کاربردی در زمینه توسعه فرهنگی و بهره‌گیری از نتایج حاصل شده از تحقیقات در امور اجرایی مدیریت فرهنگی به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تحقق توسعه فرهنگی، از دیگر پیشنهادات این پژوهش است. به سبب ماهیت گسترده، پیچیده و جامع مسائل فرهنگی، وجود شاخص‌ها و عوامل بسیار گسترده از یک سو و کشف روابط پیچیده بین آن‌ها از سوی دیگر، فرایند شاخص‌سازی و سنجش توسعه فرهنگی را با مشکلات اساسی مواجه ساخته است. پژوهش حاضر با مشخص نمودن شاخص‌های اصلی توسعه فرهنگی در صدد برداشت گامی هرچند کوچک در این حوزه برای مدیریت توسعه فرهنگی کلان‌شهر تهران است. نمودار ۱ مدل تدوین شده پژوهش برای مدیریت توسعه فرهنگی شهر تهران را نشان می‌دهد.

نمودار ۱: الگوی مدیریت توسعه فرهنگی کلان‌شهر تهران با توجه به میزان اهمیت شاخص‌های کمی و کیفی از دیدگاه نخبگان



منابع

- افروغ، عماد (۱۳۸۵)، «چالش‌های فرهنگی ایران»، *روزنامه اطلاعات*، شماره ۲۳۷۳۲.
- بابایی فرد، اسدالله (۱۳۸۹)، «توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران، تهران»، *رقاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۵۶-۷.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، نشر کیهان.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۴)، *راهنمایی طراحی فضاهای شهری در ایران*، شرکت طرح و نشر پیام سیما.
- دفتر برنامه‌ریزی عمرانی وزارت کشور (۱۳۸۱)، *برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مسائل نظری و چالشهای تجربی*، تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور.
- سرابی، حسن (۱۳۸۲)، *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در پژوهش*، تهران: انتشارات سمت.
- شابیر چیمبا، جی (۱۳۷۹)، *مدیریت شهری، خط مشی‌ها و نوآوری‌ها در کشورهای در حال توسعه*، ترجمه پرویز زاهدی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- عبدی، مصطفی؛ کاوسی، اسماعیل؛ اعتباریان، اکبر (۱۳۹۳)، «طراحی و ارائه الگوی سنجش توسعه فرهنگی در کشور ایران با استفاده از نظریه داده بنیاد»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال هفتم، شماره ۱، صص ۹۳-۱۱۰.
- عظیمی، حسین (۱۳۸۳)، *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران*، تهران: نشر نی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۶)، *انسان شناسی شهری*، تهران: نشرنی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۲)، *از فرهنگ تا توسعه*، تهران: انتشارات فردوس.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۹)، *مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی*، تهران: انتشارات ققنوس.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۹۵)، *مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی*، تهران: انتشارات ققنوس.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۹)، *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی*، تهران: فرهنگ صبا.
- مدنی پور، علی (۱۳۸۴)، *طراحی فضای شهری (نگرشی بر فرایند اجتماعی - مکانی)*، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- معیدفر، سعید (۱۳۹۱)، «مدل مطلوب مدیریت و توسعه فرهنگی شهر تهران»، *مجموعه مقالات همایش علمی مدیریت استراتژیک فرهنگی شهر تهران (ماتریس فرهنگی)*، تهران: انتشارات تپسا.
- نوابخش، مهرداد؛ ثابتی، مریم (۱۳۹۴)، «طراحی و ارائه الگو جهت سنجش تأثیر سرمایه فرهنگی بر ابعاد توسعه پایدار شهری»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال هشتم، شماره ۱، صص ۵۰-۳۷.
- نوابخش، مهرداد (۱۳۹۲)، «ضرورت احیاء سرمایه اجتماعی در توسعه فضاهای شهری»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال پنجم، شماره ۴، صص ۱۸-۷.
- Akbulut, Gülpinar; Artvinli, Eyup (2011), "Effects of Turkish railway museums on cultural tourism", *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 19: 131-138.
- Arnstein, Sherry R. (1969), "A ladder of citizen participation", *Journal of the American Institute of planners* 35(4): 216-224.
- Biel, Anders (2000), "Factors promoting cooperation in the laboratory, in common pool resource dilemmas, and in large-scale dilemmas", *Cooperation in modern society: Promoting the welfare of communities, states, and organizations*: 25-41.
- Garner, Ben (2016). *The politics of cultural development: Trade, cultural policy and the UNESCO convention on cultural diversity*. Routledge.
- UNESCO, "Culture and Development" (retrieved 15/08/2019 from <http://www.unesco.org/new/en/culture/themes/culture-and-development/>)
- World Health Organization. (2007). *Global age-friendly cities: A guide*. World Health Organization.